

بررسی تطبیقی برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی

محمد صادق کوشکی^۱ - فرشته میرحسینی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۳

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۱/۸

چکیده

از جمله موضوعات محوری در تحولات اخیر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران است که میزان اهمیت آن تا حد یک موضوع مهم و مباحثه بین المللی افزایش یافته است. برنامه هسته ای ایران یک برنامه کاملا صلح آمیز در چارچوب «توانایی قانونمند» هسته ای است؛ از سوی دیگر در این منطقه رژیم صهیونیستی قرار دارد که دارای برنامه ساخت تسلیحات هسته ای است و شایان ذکر است که این رژیم تنها دارنده تسلیحات هسته ای در منطقه است؛ این در حالی است که اسرائیل در قبال برنامه تسلیحات هسته ای خود با هیچ گونه محدودیت و فشار بین المللی مواجه نیست. این رژیم به شدت

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران m.salehr13@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای (گرایش خاورمیانه) دانشگاه تهران fereshte.mirhosieni@yahoo.com

طرف معارضه با برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است و برای نابودی آن تلاش می‌کند. در تحقیق حاضر تلاش خواهد شد تا برنامه‌ها و فعالیت‌های هسته ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی به صورتی تطبیقی و مقایسه ای مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژگان: امنیت انرژی، برنامه‌های هسته‌ای، توانایی قانونمند هسته ای، توانایی کامل هسته ی، تسلیحات هسته‌ای

مقدمه

علوم و فنون هسته‌ای، جز فنی‌آوری‌های پیشرفته و برتر به حساب می‌آیند. امروزه تاثیر این علوم در گسترش دانش بشری، تسلط بر طبیعت، تامین رفاه و پیشرفت زندگی بشر غیر قابل تردید است و می‌توان آن را از عناصر و محورهای اصلی توسعه پایدار و از عوامل مهم اقتدار یک کشور به حساب آورد. آنچه که امروز ترس از دستیابی به انرژی هسته‌ای را در بین کشورهای مختلف ایجاد کرده است، کاربرد غیرانسانی و سلاح‌های اتمی است؛ بنابراین بایستی با ابزارهای حقوقی، فنی و دیپلماتیک مانع حرکت برنامه‌های اتمی از حوزه صلح آمیز (انرژی، علمی و پزشکی) به حوزه غیر صلح آمیز (تسلیمات هسته ای) شد.

انرژی اتمی ابتدا در انحصار شوروی و آمریکا قرار داشت. سپس، کشورهای دیگری نظیر فرانسه، آلمان، انگلیس، هند، چین و ژاپن به جرگه کشورهای دارای انرژی هسته‌ای پیوستند. آژانس اطلاعات انرژی اعلام کرده است، هم اکنون ۴۳۶ رآکتور هسته‌ای در جهان وجود دارد و با توجه به سرمایه

گذاری‌های بسیاری که در سالهای اخیر در سایر کشورها، به ویژه هند و چین انجام شده است، تا ۵ سال آینده بیش از ۱۰ رآکتور به مجموع رآکتورهای فعال در دنیا افزوده خواهد شد (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۰).

در حال حاضر در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، تنها رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران به صورت بالفعل دارای برنامه هسته‌ای هستند. به دنبال تأسیس رژیم صهیونیستی این رژیم فعالیت‌های هسته‌ای خود را از سال ۱۹۴۸ آغاز کرد. هدف اسرائیل از توسعه برنامه اتمی، کسب تسلیحات هسته‌ای است. به غیر از رژیم صهیونیستی هیچ کدام از کشورهای خاورمیانه برنامه‌ای برای ساخت تسلیحات هسته‌ای ندارند. ایران نیز از سال ۱۳۳۵ فعالیت هسته‌ای صلح آمیز خود را آغاز نمود. جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت با توجه به تأثیر شگرف علوم هسته‌ای در مولفه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی به سمت کاربرد صلح آمیز انرژی هسته‌ای در چارچوب «توانایی قانونمند» هسته‌ای حرکت کند.

در این پژوهش سعی خواهد شد تا به صورت تطبیقی به مقایسه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل پرداخته شود. سؤال اصلی این است که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی چه تفاوت‌هایی با هم دارند. فرضیه مورد نظر ما این است که رویکرد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران صلح آمیز و در محدوده ما قبل «توانایی قانونمند هسته‌ای» است اما برنامه هسته‌ای رژیم صهیونیستی به حد تسلیحات هسته‌ای رسیده است.

گرچه تاکنون آثار متعددی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران و رژیم صهیونیستی به نگارش درآمده اما تاکنون پژوهشی که به مقایسه برنامه هسته‌ای آن دوپردازد نوشته نشده است؛ پس این پژوهش درصدد رفع خلا علمی در این

زمینه است. از لحاظ شیوه نگارش و بررسی مسأله، پژوهش حاضر، جز گروه تحقیقات تبیینی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از کتاب‌ها، گزارش‌ها و مقاله‌های فارسی و انگلیسی که در این زمینه نوشته شده اند استفاده خواهد شد.

در این پژوهش، ابتدا به توضیح «برنامه هسته‌ای» و انواع آن پرداخته می‌گردد. سپس سوابق و علل و انگیزه‌های ایران و رژیم صهیونیستی برای داشتن برنامه هسته‌ای بررسی می‌شود. در نهایت نیز، به مقایسه تطبیقی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی پرداخته می‌گردد. مقایسه برنامه هسته‌ای دو کشور در ۴ زمینه موضع‌گیری نهادهای بین‌المللی، عضویت در معاهدات عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای، دیدگاه‌های رهبران و همکاری با بازرسان صورت می‌گیرد.

برنامه هسته‌ای چیست و شامل چه فعالیت‌هایی است؟

در برنامه هسته‌ای، توانمندی‌های چهارگانه‌ای وجود دارد که شامل «بهره‌مندی صلح‌آمیز» با مصارف انرژی، پزشکی و علمی، «توانایی قانونمند»، «توانایی کامل»^۱ هسته‌ای و «دستیابی به سلاح هسته‌ای» است. کشورها بر اساس موقعیت ژئوپلتیک، محیط امنیتی، تهدیدها، توان ملی، جایگاه قدرت، سطح توسعه و رشد اقتصادی و سیاسی و همچنین تجربه‌ها و باورهای ایدئولوژیک خود دست به انتخاب یکی از گزینه‌ها می‌زنند. به طور کلی «توانایی» تسلیحات هسته‌ای به سه بخش مجزا قابل تقسیم است:

۱. Lawful Capacity

۲. Full Capacity

الف- اشراف و تحصیل دانش و فناوری مراحل غنی سازی اورانیوم؛

ب- توانایی در سیستم حمل (موشک ها)؛

ج- توانایی در ساخت کلاهک هسته ای؛

طبق قراین متعارف قوانین بین المللی، دو بخش نخست در حیطه اقدامات قانونی و بخش سوم در حوزه فعالیت های غیرقانونی قرار می گیرند. بدین ترتیب «توانایی کامل» سلاح هسته ای هر سه مورد فوق را در بر می گیرد حال آنکه «توانایی قانونمند» سلاح هسته ای صرفا دو مورد اول را که مجاز است شامل می شود و وارد حوزه غیر مجاز و غیر قانونی که همان ساخت کلاهک هسته ای است، نمی شود (هادیان و هرمزی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

بسیاری از کشورها برنامه هسته ای خود را با هدف بهره مندی از کاربرد انرژی پیش برده اند. انرژی هسته ای و فن آوری هسته ای در تشخیص پزشکی و درمان بیماریها، افزایش محصولات غذایی، توسعه منابع آبی، بهره برداری کشاورزی و کنترل کیفی صنایع کاربرد دارد (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۳۰۲). برخی همچون ژاپن و آلمان دارای «توانایی قانونمند» سلاح هسته ای هستند چرا که هنوز به دنبال ساخت کلاهک هسته ای نرفته اند و تعدادی دیگر همچون آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید و اوکراین دارای «توانایی کامل» هسته ای هستند.

فناوری هسته ای برای مقاصد نظامی (تسلیحات هسته ای) از سال ۱۹۴۵ به بعد در جهان انتشار یافته است. در سال های اولیه پس از جنگ جهانی دوم فقط ایالات متحده توان ساخت بمب هسته ای را داشت. در سال ۱۹۶۴ چند کشور دیگر نیز آستانه تولید سلاح های هسته ای را پشت سر گذاشتند. این کشورها عبارت بودند از اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۴۹)، انگلستان (۱۹۵۲)، فرانسه (۱۹۶۰)، و چین (۱۹۶۴). این پنج کشور در پیمان منع تکثیر سلاح های هسته ای

«کشورهای دارنده سلاح های هسته ای» دانسته شده اند. این کشور ها یک سلاح هسته ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای را قبل از اول ژانویه ۱۹۶۷ آزمایش کرده اند (Waltz, ۱۹۸۱: ۳۰).

از زمان انفجار هسته ای چین در سال ۱۹۶۴ هیچ کشوری به صورت علنی و رسمی به باشگاه هسته ای^۱ نپیوسته است. اما این واقعیتی گمراه کننده است. اسرائیل، هند، پاکستان و کره شمالی نیز دارای سلاح هسته ای هستند. بر این اساس می توان نمودار زیر را برای برنامه های هسته ای ترسیم نمود:

نمودار ۳-۱



همانطور که گفتیم مطابق تقسیم بندی جدول فوق در برنامه هسته‌ای هر کشور چهار سطح از توانمندی ها قابل تفکیکند. دسته اول کشورهایی هستند که برنامه هسته‌ای خود را به اهدافی مثل انرژی، پزشکی یا علمی محدود کرده‌اند. دسته دوم کشورهایی هستند که دانش و تکنولوژی تولید سوخت هسته‌ای (چرخه سوخت) و توانایی موشکی که در عرف بین‌الملل منعی ندارد را دارند. اگر چنین کشوری دنبال ساخت کلاهک نرفته باشد دارای توانایی قانونمند هسته‌ای است. دسته سوم کشورهایی هستند که هر سه توانایی را دارند (اشراف

^۱ - Nuclear Club

بر مراحل غنی سازی اورانیوم، توانایی در سیستم حمل موشک‌ها و توانایی در ساخت کلاهک هسته‌ای (ولی سلاح نساخته‌اند و به هر حال توانایی کامل هسته‌ای دارند. دسته چهارم کشورهایی هستند که با ادغام این سه توانایی، سلاح ساخته‌اند و از آن برخوردارند.

جمهوری اسلامی ایران در برنامه هسته‌ای خود اهدافی را دنبال می‌کند که تأمین آن‌ها ضرورتاً از طریق دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست و چه بسا تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نیل به اهداف را دشوارتر و حوزه‌های آسیب‌پذیری کشور را افزایش می‌دهد. از این رو آنچه می‌تواند ضمن تحصیل منافع و اهداف تعیین شده، جایگزین گزینه دستیابی به سلاح هسته‌ای شود، تلاش برای کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای است. هدف برنامه هسته‌ای ایران کسب «توانایی قانونمند» هسته‌ای است. در حالی که هدف اسرائیل از پیگیری برنامه‌های اتمی کسب «تسلیمات هسته‌ای» است. در ژانویه ۲۰۰۹، موسسه بین‌المللی صلح استکهلم، اسرائیل را ششمین قدرت هسته‌ای جهان بعد از ۵ عضو دائم شورای امنیت معرفی کرد (۳: ۲۰۰۹، Charnysh).

اسرائیل یکی از چهار کشور مسلح به سلاح اتمی است که در چارچوب معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی) به عنوان دولت صاحب سلاح هسته‌ای به رسمیت شناخته نمی‌شود^۱. بنابراین هدف اسرائیل از توسعه برنامه‌های اتمی کسب «تسلیمات هسته‌ای» است.

۱. سه کشور دیگر هندوستان، پاکستان و کره شمالی هستند.

تاریخچه برنامه هسته ای ایران

اولین قدم جدی در زمینه استفاده از علوم و فناوری هسته‌ای در ایران در سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) برداشته شد. در این سال با امضای موافقت‌نامه همکاری بین ایالات متحده آمریکا و دولت ایران راجع به استفاده غیر نظامی از انرژی اتمی، اولین رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی آب سبک در دانشگاه تهران نصب و راه اندازی گردید (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۷). امضای قرارداد با آلمان جهت ساخت اولین نیروگاه هسته ای ایران در بوشهر و سرمایه گذاری در شرکت اوردیف فرانسه دو اقدام جدی دیگر ایران برای برخورداری صلح آمیز از انرژی هسته ای بودند (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۷).

سال ۱۳۵۳ سازمان انرژی اتمی ایران^۱ تشکیل شد. اصلی ترین و پرهزینه ترین هدف دولت یک برنامه ۱۵ ساله برای ایجاد نیروگاه اتمی بود به طوری که از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷، قرارداد ساخت ۸ نیروگاه اتمی بین سازمان انرژی اتمی و پیمانکاران خارجی به امضا رسید (علیخانی، ۱۳۸۹: ۸۴)؛ نیروگاه اتمی بوشهر (دو واحد)، نیروگاه اتمی کارون (دو واحد)، نیروگاه اتمی اصفهان (دو واحد) و نیروگاه اتمی ساوه (دو واحد) (موسویان، ۱۳۸۶: ۴۵۶). از بین این قراردادها فقط قرارداد ساخت دو واحد نیروگاه اتمی بوشهر (هرکدام با قدرت ۱۳۰۰ مگاوات) به سرانجام رسید. این قرارداد با شرکت آلمانی کرافت ورک یونیون^۲ به امضا رسید و تا زمان لغو قرارداد توسط طرف آلمانی در سال ۱۳۵۸، عملیات ساخت رآکتور شماره ۱ بوشهر به میزان ۸۵ درصد و احداث رآکتور شماره ۲ نیز ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشت (علیخانی، ۱۳۸۹: ۹۸). در زمینه برنامه های هسته

۲. Atomic Energy Organization of Iran (AEOI)

۱. Kraftwerk

ای، ایران قبل از انقلاب اسلامی علاوه بر فرانسه و آلمان با سایر کشورها نیز همکاری‌هایی داشت.

هدف و انگیزه شاه از برنامه‌های اتمی تلفیقی از ناسیونالیسم مثبت، منافع ملی و تهدیدهای ناشی از همسایگان شمالی و شرقی ایران یعنی شوروی، هند و پاکستان بود. شاه در آخرین کتاب خود به عنوان «پاسخ به تاریخ» و در اواخر فصل ۷ آن ضمن برشمردن ارزش نفت و قیمت واقعی آن بر استفاده از انرژی‌های جایگزین به ویژه انرژی هسته‌ای و این که در آینده دیگر نمی‌تواند به نفت متکی باشد، تأکید می‌کند (اسدی، ۱۳۸۶: ۷).

برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی، کشورهای طرف قرارداد فناوری صلح آمیز هسته‌ای ایران مثل آلمان، فرانسه و انگلیس، اجرای موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای خود از جمله ساخت نیروگاه بوشهر را به حالت تعلیق درآوردند. این کشورها حتی از فشار به کشورهای دیگر مثل چین و روسیه که پس از انقلاب اسلامی همکاری‌های موثری را در حوزه هسته‌ای با ایران آغاز نموده بودند، فروگذار نکردند (علی بابایی، ۱۳۸۶: ۵۰). پس از پایان جنگ تحمیلی در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ بازسازی رآکتورهای سایت ۱ و ۲ بوشهر که در جریان حملات هوایی عراق آسیب دیده بود، از سرگرفته شد. هنگامی که شرکت کرافت ورک زیر فشارهای آمریکا از اتمام نیروگاه بوشهر سرباز زد، کنسرسیومی مرکب از شرکت‌های

۲. بمباران تاسیسات هسته‌ای ایران به دست عراق در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۸۴، ۱۲ فوریه ۱۹۸۵، ۱۲ جولای ۱۹۸۶، ۱۷ نوامبر ۱۹۸۷، ۱۹ نوامبر ۱۹۸۷ و ۱۹ جولای ۱۹۸۸ انجام گرفت.

آرژانتینی، آلمانی و اسپانیایی در اواخر ۱۹۸۰ آمادگی خود را برای اتمام نیروگاه بوشهر اعلام نمودند که طرح آنها نیز با فشارهای ایالات متحده ناموفق ماند. سرانجام پس از مذاکرات بسیار میان تهران، شرکت‌های اروپایی و حتی چین برای اتمام نیروگاه هسته‌ای بوشهر، ایران در سال ۱۹۹۵ به توافقی با روسیه برای تکمیل این نیروگاه دست یافت (دوست محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۳).

اواخر سال ۱۳۷۶ شورای فن آوری هسته‌ای ایران تشکیل و تصمیم گرفته شد علاوه بر نیروگاه هسته‌ای بوشهر ۶ واحد نیروگاه هسته‌ای دیگر راه اندازی و در عین حال سوخت نیروگاه هسته‌ای در داخل کشور تأمین گردد. به این منظور از سال ۱۳۷۷ ایران موفق شد با وجود عدم همکاری چینی‌ها، پروژه یو سی اف^۱ اصفهان را توسط مهندسان ایرانی طراحی و اجرا نماید. این پروژه در سال ۱۳۷۹ آغاز و در مدت ۴ سال تکمیل و بالاخره در فروردین ماه ۱۳۸۳ به بهره برداری رسید؛ پروژه‌ای که قرار بود چینی‌ها در مدت ۱۱ سال تکمیل کنند (حاتمی راد، ش ۸۳: ۱۷۲). دستیابی به یو سی اف یکی از موفقیت‌های بسیار قابل توجه است، زیرا این ماده کلید اصلی غنی سازی است. به موازات آن تأسیسات غنی سازی اورانیوم در نطنز نیز شروع به کار کرد. مهمتر از این‌ها، موفقیت دانشمندان ایرانی در ساخت دستگاه‌های سانتریفیوژ یا گریز از مرکز است که از این دستگاه برای غنی سازی اورانیوم استفاده می‌شود. همچنین دسترسی به فناوری غنی سازی از طریق لیزر در مقیاس آزمایشگاهی از دیگر دستاوردهای دانشمندان ایرانی است که در منطقه لشکرآباد کرج به نتیجه رسید (عسگری، ۱۳۸۵: ۳۹). جمهوری اسلامی ایران که پس از توافقنامه پاریس (۱۵ نوامبر ۲۰۰۴) با تروئیکای

۱. UCF مخفف Uranium Conversion Facility به معنی تأسیسات تبدیل اورانیوم است.

اروپا^۱ فعالیت های غنی سازی خود را به حالت تعلیق درآورده بود در ۸ اوت ۲۰۰۵ در حضور خبرنگاران داخلی و خارجی فراوری تبدیل اورانیوم را در اصفهان از سر گرفت.

جمهوری اسلامی ایران پس از آغاز به کار مرکز یوسی اف اصفهان^۲، به راه اندازی مراکز دیگر نیز مبادرت ورزید و در نهایت در ۲۲ فروردین ۱۳۸۵ محمود احمدی نژاد خبر دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته ای و ورود ایران به باشگاه هسته ای جهان را اعلام نمود (Kerr, ۲۰۱۲: ۴).

در کمتر از ۵ ماه پس از دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته ای، دستیابی به فناوری تولید آب سنگین با موفقیت انجام شد؛ مجتمع تولید آب سنگین اراک در ۴ شهریور ۱۳۸۵ توسط رئیس جمهور افتتاح شد (غریب آبادی، ۱۳۸۸: ۹۴).

تاریخچه برنامه هسته ای اسرائیل

با موجودیت یافتن اسرائیل در اواخر سال ۱۹۴۸ یک فیزیکدان یهودی به نام موشه سوردین^۳ که بر روی ساخت اولین راکتور فرانسه کار می کرد به اسرائیل آمد تا در مورد آینده راکتورهای هسته ای صحبت کند. او در این سفر با نخست وزیر اسرائیل دیدار کرد. این در حالی بود که اسرائیل در این سال فاقد حتی یک متخصص فیزیک هسته ای بود. پیرو همین سفر، نقشه برداری از وضعیت زمین

۲. انگلیس، فرانسه و آلمان

۱. طبق ماده ۴ معاهده منع تکثیر سلاح های هسته ای و ماده سوم اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی، کشورهای عضو، حق قانونی توسعه و تحقیقات انرژی هسته ای در مقاصد صلح آمیز را دارا هستند. در نتیجه از سرگیری فعالیت یوسی اف اصفهان در ۸ اوت ۲۰۰۵ و تحقیقات هسته ای نظیر در ده ژانویه ۲۰۰۶ در چارچوب مفاد ان پی تی و اساسنامه آژانس صورت گرفت. مطابق با ماده یک معاهده منع تکثیر سلاح هسته ای کشورهای عضو باشگاه هسته ای علاوه بر تلاش برای خلع سلاح منطقه ای و جهانی باید به انتقال بدون تبعیض فناوری هسته ای به کشورهای عضو کمک کنند.

در صحرای نقب طی سال های ۱۹۵۱-۱۹۴۹ برای ارتقای دستیابی اسرائیل به مواد هسته ای صورت گرفت (کوهن، ۱۳۸۱: ۳۹-۳۷). اسرائیل در سال ۱۹۵۲ «کمیسیون انرژی اتمی»^۱ را به ریاست دیوید برگمن تأسیس نمود (Charnysh, ۲۰۰۹: ۱). در ۲۰ مارس ۱۹۵۷ اسرائیل قراردادی برای ساخت یک رآکتور کوچک تحقیقاتی از نوع استخر شنا در ناخال سورک به عنوان بخشی از برنامه اتم در راه صلح با ایالات متحده امضا کرد (علی بابایی، ۱۳۸۶: ۲۷۵). در سوم اکتبر ۱۹۵۷ موافقتنامه دیمونا طی دو سری اسناد رسمی و محرمانه بین فرانسه و اسرائیل به امضا رسید (Lotfian, ۲۰۰۸: ۶۹).

دومین تأمین کننده نیازهای هسته ای اسرائیل بعد از فرانسه کشور نروژ بود. در بین سال های ۱۹۵۷-۱۹۵۶ شرکت نروژی نورسنگ هیدرو^۲ تنها تولید کننده اروپایی آب سنگین تجاری بود. اسرائیل مذاکراتی را با نروژ جهت تهیه آب سنگین دیمونا صورت داد که در سال ۱۹۵۹ بالغ بر ۲۰ تن آب سنگین از آن کشور خریداری کرد (Chipman, ۲۰۰۸: ۱۲۰-۱۲۱).

همچنین، اسرائیل از سال ۱۹۶۷ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مقدار ۵۵۰ تن اورانیوم برای استفاده در نیروگاه دیمونا از آفریقای جنوبی خریداری کرد.^۳ ظن و گمان هایی وجود دارد که اسرائیل در ۲ نوامبر ۱۹۶۶ در صحرای نقب و در سال ۱۹۷۹ در اقیانوس هند بمب اتمی خود را آزمایش کرده است. گرچه این مسئله تاکنون به اثبات نرسیده است (Charnysh, ۲۰۰۹: ۲).

^۱ - the Israel Atomic Energy Commission (IAEC)

^۲ Norsk Hydro

^۳ . <http://www.guardian.co.uk/world/2010/may/23/israel-south-africanuclear-document>

جدول شماره ۱- مکان و عملکرد برنامه اتمی رژیم صهیونیستی

مکان	عملکرد
ایلابون ^۱ (انبار اسلحه در گائیله شرقی)	انبار سلاح های اتمی تاکتیکی
بئر یاکوو ^۲ (کارخانه تولید تسلیحات)	محل ساخت موشک های جریکو -۲ قادر به حمل کلاهک های اتمی
پالمیکین ^۳ (جنوب تل آویو)	محل آزمایش موشک های با توانایی اتمی
حیفا: دو کارخانه اسید فسفریک قادر به تولید «یک زرد» ^۴	این کارخانه همراه با کارخانه سومی در جنوب اسرائیل توانایی تولید صد تن از این ماده را دارد. ذخایر فسفات در بیابان نقب نزدیک به بئر شعب مورد بهره بردای قرار گرفته است. طبق برآوردها بین ۶۰-۳۰ تن ذخایر اورانیوم برای غنی سازی در دسترس است.
دیمونا (نیروگاه اتمی در نقب)	پلوتونیوم غنی شده برای ساخت بمب اتمی تولید می کند. این نیروگاه ۴۰ یا ۷۰ یا ۱۵۰ مگاواتی که با آب سنگین یا اورانیوم طبیعی کار می کند در سال ۱۹۶۳ با کمک فرانسه راه اندازی شد و آب سنگین و مواد سوختی آن از آرژانتین، اسرائیل، نروژ، نیجر، آفریقای جنوبی، جمهوری آفریقای مرکزی، بلژیک، فرانسه و گابون تأمین شده است. در این نیروگاه از حدود سال ۱۹۶۶ به بعد احتمالاً سالانه ۱۵ تا ۴۰ کیلوگرم پلوتونیوم بازفراوری شده است.
ریهووت ^۵ (مرکز تولید آب سنگین در جنوب تل آویو)	احتمالاً در سال ۱۹۵۴ توسط اسرائیل ها راه اندازی شده است.

^۱ - Eilabun

^۲ - Beer Yakov

^۳ - Palmikin

^۴ - Yellow Cake

^۵ - Rehovot

محل نگهداری حداقل ۵۰ موشک جریکو - ۲ یا کلاهک اتمی در پانکرهای زیرزمینی	کفار زاخاریا ^۱ (انبار تسلیحات)
این نیروگاه ۵ مگاواتی با آب سبک یا اورانیوم غنی شده کار می‌کند و در سال ۱۹۶۰ از آمریکا خریداری شده و تا سال ۱۹۷۷ طبق قراردادی مواد سوختی لازم از این کشور تامین گردیده است.	نهل سورق ^۲ (نیروگاه اتمی تحقیقاتی جنوب تل‌آویو برای طراحی تسلیحات اتمی)
قطعات سلاح های اتمی را سوار یا پیاده می‌کند.	یودفات ^۳ (کارخانه تسلیحاتی)

(لطفیان، ۱۳۷۴: ۸۰).

در ۴ سپتامبر ۱۹۷۴ سازمان سیا در گزارشی به کنگره آمریکا، تأیید کرد که اسرائیل در حال حاضر سلاح هسته‌ای تولید کرده است. در ۱۲ آوریل سال ۱۹۷۶ مجله آمریکایی تایم فاش ساخت که اسرائیل به ذخیره ۱۳ بمب هسته‌ای اقدام کرده است که با هواپیماهای فانتوم و کفیر حمل می‌شوند (عطایا، ۱۹۹۵: ۱۸).

نیکسون در ۲ ژوئیه ۱۹۷۵ تأیید کرد که اسرائیل ۱۰ کلاهک هسته‌ای از نوع بمبی که هیروشیما و ناکازاکی را هدف گرفت، در اختیار دارد. در سال ۱۹۸۰ نیز دبیر کل وقت سازمان ملل متحد طی گزارشی به این مطلب اشاره کرد. اظهارات مردخای وانونو^۱، نیز تأیید می‌کند که اسرائیل ۱۰۰ تا ۲۰۰ بمب هسته‌ای در اختیار دارد. وجود دانشمندان هسته‌ای، سرمایه فراوان، رآکتورهای هسته‌ای پیشرفته و وسایل پرتاب برای رساندن بمب به اهداف مورد نظر، همه از

^۱.Kefar Zakharya

^۲. Nahal Soreq

^۳.Yodefat

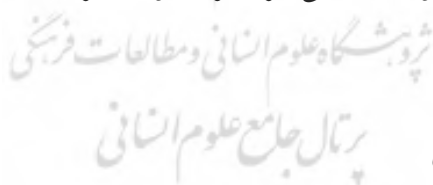
۱. ونونو تکنیسین اسرائیلی بود که نه سال در نیروگاه دیمونا کار کرد. او ساعاتی پس از مصاحبه با خبرنگاران انگلیسی با نقشه موساد ربوده و به اسرائیل بازگردانده شد و به جرم خیانت و جاسوسی به ۱۸ سال زندان محکوم شد.

عواملی است که تأیید می کند اسرائیل یک قدرت هسته ای است و یا حداقل این توانایی را دارد تا هرگاه ضرورت اقتضا کند به تولید چنین سلاحی مبادرت ورزد (الحمیدی، ۱۳۸۱: ۷۱). جدول زیر مکان و عملکرد سایت های هسته ای اسرائیل را نشان می دهد:

الف) انگیزه های جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و توسعه برنامه هسته ای

۱- دلایل اقتصادی

امروزه تکنولوژی هسته ای در حوزه های مختلف اقتصادی مثل انرژی، کشاورزی، داروسازی و دیگر بخش های صنعتی در حال توسعه است. قواعد و مقررات بین المللی نظیر ان پی تی استفاده و توسعه این تکنولوژی را در بخش های مذکور حق همه کشورها دانسته و توسعه آن را تشویق می کند. موارد زیر از جمله دلایل اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای توسعه برنامه های اتمی است:



الف- تامین امنیت انرژی

جمهوری اسلامی ایران در آینده نه چندان دوری با پدیده کمبود نفت روبرو خواهد شد. طبق پیش بینی ها انتظار می رود تولید نفت ایران در سال ۲۰۱۵ و تولید گاز طی سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۴۰ به حداکثر مقدار خود برسد و پس از آن با نرخ سریع کاهش یابد؛ این در حالی است که پیش بینی تقاضای انرژی ایران تا سال ۲۰۵۰ یک روند صعودی با شیب فزاینده را نشان می دهد. در حقیقت با

وجود اینکه تولید نفت و گاز ایران در چشم انداز ۲۰۵۰ به شدت کاهش می یابد اما تقاضای انرژی کشورمان در این سال به شدت افزایش می یابد (IAEA, ۲۰۱۰). در افق زمانی ۲۰۳۰ شاید بتوان با جانشینی گاز به جای نفت، تقاضای انرژی داخلی را پاسخ داد اما در افق زمانی طولانی‌تر (۲۰۵۰) که تولید گاز نیز کاهش می یابد قطعاً تکیه به منابع نفت و گاز نمی تواند پاسخگوی تقاضای انرژی کشور باشد. این موضوع در مقالات و گزارش های مختلفی که توسط مراکز علمی و پژوهشی جهان منتشر شده مورد تایید قرار گرفته است (قنبری، ۱۳۸۷: ۵۵).

ب- تولید برق هسته ای

هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران در توسعه هسته‌ای، تولید برق هسته‌ای است. در ایران مصرف سالانه برق ۳۸ هزار مگاوات است که حدود ۹۵ درصد آن با سوخت های فسیلی و ۵ درصد آن با انرژی های تجدید شذنی تامین می گردد (Opec Statistical Bulletin, ۲۰۰۹).

با روند صعودی کنونی نیاز به برق در ده سال آینده دو برابر می شود و مصرف آن به ۷۰ هزار تا ۸۰ هزار مگاوات در سال خواهد رسید. این میزان مصرف را با ظرفیت های تولید کنونی نمی توان پاسخگو شد، از این رو یک برنامه عملیاتی سریع و هوشمندانه برای تامین نیازهای آینده کشور ضروری است (طباطبائی و صدیقی، ۱۳۹۰: ۲۰). ایران، باید بر اساس رشد مولفه های اقتصادی کشور و مصوبه مجلس شورای اسلامی، ۲۰/۰۰۰ مگاوات برق هسته‌ای را به عنوان برنامه اصلی توسعه نیروگاه های هسته‌ای کشور به اجرا گذارد که در این صورت ۹۰

میلیون بشکه نفت خام یا در سال ده میلیارد دلار برای کشور ذخیره ارزی به دنبال دارد (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۳۱۶).

ج- کاربرد فناوری هسته‌ای در مدیریت منابع آب

ایران می‌تواند از فناوری هسته‌ای برای شناسایی حوزه‌های آبخیز زیرزمینی و آبهای سطحی استفاده کند، به خصوص اینکه در منطقه کم‌آب قرار گرفته و حتی بعضی از مناطق آن امکان دسترسی به آب را ندارند. از طرف دیگر با توجه به اینکه ایران بیشترین مرز آبی را در میان کشورهای حوزه خلیج فارس دارد با استفاده از فناوری هسته‌ای می‌تواند ضمن رفع نیاز مناطق جنوبی خود به آب شیرین، به عمده‌ترین کشور منطقه برای صادرات آب شیرین به کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس تبدیل شود (دلورپور اقدم، ۱۳۸۴: ۲۰۶). علاوه بر این، فروش فن‌آوری هسته‌ای و انتقال دانش فنی مربوطه به کشورهای دوست و مسلمان نوعی بهره‌برداری اقتصادی از توانایی‌های صلح‌آمیز هسته‌ای است. ایران می‌تواند میله‌های سوخت و سایر فرآورده‌های نفتی مرتبط با حوزه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را در صورت تولید افزون بر مصرف داخلی به کشورهای منطقه و حتی سایر کشورهای جهان صادر کند.

افزایش قدرت نرم ۱ و پرستیژ در سطوح منطقه ای و بین المللی

بدیهی است که برنامه هسته ای ایران توجه و تمرکز بازیگران منطقه ای و جهانی را به خود معطوف داشته است. پیشرفت در برنامه هسته ای با افزودن بر قدرت ایران می تواند جایگاه ایران را در سطح منطقه و جهان تغییر دهد. دست یابی به دانش صلح آمیز هسته ای نتایج زیر را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت:

الف) تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت علمی در سطوح منطقه ای و بین المللی

از منظر تحلیل های راهبردی، دانش و فناوری به ویژه در حوزه دانش استراتژیک از جمله اساسی ترین و تاثیرگذارترین مولفه های قدرت به حساب می آید. چرا که تولید و بازتولید انواع فرآورده های قدرت در سایر مولفه ها نیز بستگی مستقیم به توان تولید دانش و فناوری مورد نیاز آن مولفه ها به صورت مستقل و بومی دارد. از این رو در شرایط حال و آینده جهان، هر کشوری که بتواند از دانش های راهبردی به صورت بومی و درون زاد بهره مند باشد می تواند نقش خود را در عرصه های رقابت بین المللی به نحو شایسته و قابل قبولی ایفا نماید. یکی از تاثیرات بسیار مهم موضوع هسته ای در تقویت قدرت نرم ایران، انعکاس پیشرفت های علمی و فناوری ایران در میان کشورهای دیگر و خصوصاً ملت های مسلمان بوده است. با اینکه در ابتدای مطرح شدن مساله هسته ای ایران، رسانه های غربی سعی در ترسیم نمودن چهره ای وحشتناک از ایران و توانمندی هسته ای آن

^۱ قدرت نرم مفهومی است که در دهه های اخیر وارد ادبیات روابط بین الملل گردید. جوزف نای این مفهوم را ابداع و آن را پرورش داد. وی در تعریف این مفهوم می گوید: «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار و تطمیع».

داشتند، اما با گذشت زمان و موفقیت مسئولین کشور در شفاف کردن مساله هسته ای، جنبه علمی این موضوع خود را پررنگ تر نشان داد. پرونده هسته ای ایران تاثیر بسیاری در توجه کشورهای دیگر به توانمندی های علمی و فناوری ایران داشت و این همان اثرگذاری قدرت نرم ایران است (پورتال جامع سیاسی سیاست ما).

ب) افزایش پرستیژ و جایگاه منطقه ای و بین المللی

این موضوع که کشور ایران توانسته با اتکا به توانمندی علمی دانشمندان جوان خود به فناوری پیچیده تولید سوخت هسته ای دست پیدا کند، تاثیر بسیار زیادی بر افکار عمومی و خصوصا نخبگان جهان اسلام داشته است. چرا که برای بسیاری از آنان این مساله نهادینه شده بود که جوامع اسلامی نمی توانند بدون وابستگی به کشورهای غربی پیشرفت نمایند و هرگونه پیشرفت لازم هاش ایجاد وابستگی است اما موفقیت ایران در دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای مثال نقضی بود برای ابطال این اندیشه؛ بنابراین به طور خلاصه می توان نتایج زیر را برای برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران متصور بود:

- تعهد ایران به فعالیت در چارچوب توانایی قانونمند هسته ای تصویری از یک دولت متعهد، مسئول و قانونمند را اریه خواهد نمود.

- فعالیت های هسته ای ایران مدلی برای کشورهای است که تا دیروز فکر می کردند خارج از اراده قدرت های بزرگ نمی توان به چنین موقعیتی دست یافت.

برنامه هسته ای ایران از لحاظ امنیت منطقه ای و بین المللی یک فرصت است بدین معنی که دانش منطقه به سوی استفاده از انرژی هسته ای زمینه های رقابت سنتی و بروز جنگ ها برای دسترسی به سوخت فسیلی را کم می کند.

- فن آوری هسته ای ضمن ارتقای منزلت بین المللی ایران قدرت چانه زنی و دیپلماتیک ایران را افزایش خواهد داد.

- بومی کردن دانش هسته ای می تواند نوعی بازدارندگی را بر اساس قدرت نرم به وجود آورد و پرستیژ بین المللی را در صحنه نظام منطقه ای و بین المللی افزایش دهد.

دلایل و عوامل متعددی در توضیح عدم خواست و تلاش ایران برای برخورداری از سلاح هسته ای وجود دارد که از آن جمله موارد زیر قابل ذکر است:

خطر بروز مسابقه تسلیحاتی در منطقه؛ از دست دادن برتری متعارف؛ آسیب پذیری از ناحیه فقدان ساختار فرماندهی و شبکه ارتباطی پیشرفته؛ ظهور تروریسم هسته ای؛ نهادینه کردن حضور آمریکا در منطقه؛ آسیب پذیری از ناحیه تحمیل هزینه های سیاسی - اجتماعی و بین المللی؛ آسیب پذیری از ناحیه هزینه های تولید و نگهداری تسلیحات هسته ای؛ آسیب رسانی به روابط ایران با برخی بازیگران منطقه ای و بین المللی؛ مخالفت های داخلی با تولید سلاح هسته ای؛ منع شرعی دستیابی به تسلیحات هسته ای (هادیان و هرمزی، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

ب) دلایل رژیم صهیونیستی برای روی آوردن به تسلیحات هسته ای

۱. برهم زدن توازن قوای منطقه ای به نفع این رژیم

تثبیت موجودیت و تداوم بقا یکی از هدفهای مهم راهبرد منطقه‌ای اسرائیل بوده است. نظر به اینکه اسرائیل در میان کشورهای خاورمیانه به عنوان رژیم نامشروع و غاصب به شمار می‌آید و کشورهای منطقه، این رژیم را یک عضو ناهمگن و بیگانه به حساب می‌آورند، همواره امنیت و ثبات این کشور در معرض خطر قرار داشته است (اقبال، ۱۳۸۲: ۸۵). اسرائیل گمان می‌برد با کسب تسلیحات هسته ای به قدرت برتر منطقه تبدیل شده و می‌تواند بدون ترس از حمله دشمنانش به سیاست توسعه ارضی خود ادامه دهد.

۲. ناکامی اولیه در جنگ رمضان در سال ۱۹۷۳

با وجود اینکه اسرائیل از همان ابتدای تأسیس تلاش کرده بود به جدیدترین سلاح‌ها و پیشرفته‌ترین فناوری نظامی دست یابد، این امر موجب تغییر رفتار کشورهای عربی در برابر اسرائیل نشد. در واقع، بازدارندگی متعارف نتوانست اعراب را از استمرار اقدامات خصمانه علیه اسرائیل بازدارد. این رژیم پس از شکست در جنگ ۱۹۷۳ به این نتیجه رسید که در جنگ با کشورهای عربی، سلاح متعارف کارایی لازم را نخواهد داشت؛ زیرا در جنگ ۱۹۷۳ آنچه که اسرائیل را از ورطه نابودی نجات داد، کمک‌های گسترده نظامی آمریکا به این رژیم بود (اقبال، ۱۳۸۲: ۸۶).

۳. خروج از انزوای منطقه ای و بین‌المللی

عامل دیگری که در رویکرد اسرائیل به برنامه هسته ای موثر بود، شرایط خاصی بود که پس از جنگ ۱۹۷۳ برای اسرائیل در منطقه و جهان پیش آمد.

اسرائیل پس از این جنگ چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌المللی در انزوا به سر می‌برد؛ به گمان اسرائیل دستیابی به سلاح اتمی می‌تواند به انزوای این رژیم پایان دهد و بر اعتبار و موقعیت این رژیم در میان کشورهای خاورمیانه بیفزاید (<http://israel.blogfa.com>).

۴. بازدارندگی

از آنجایی که رژیم صهیونیستی همواره با تهدیداتی برای بقای ملی خود مواجه است، تأکید فراوانی بر حفظ توانایی بازدارندگی قوی و مطمئن داشته است. اسرائیل به منظور تحقق اهداف راهبردی خود در خاورمیانه، سیاست بازدارندگی را در دو سطح متعارف و غیرمتعارف اعمال کرده است ولی با گذشت زمان به این نتیجه رسید که با اتکا به سلاح‌های متعارف قادر نخواهد بود تا اهداف منطقه‌ای خود را محقق سازد، بنابراین تصمیم گرفت به گزینه تسلیحات هسته‌ای روی آورد. نظام سیاسی اسرائیل به دلیل ماهیت متفاوت شکل‌گیری که اساساً مبتنی بر اشغال و تصرف زورمندانه معنا یافته همواره نگران تهدیداتی بوده که از محیط درونی و پیرامونی متوجه آن بوده است. این تصور که هر جنگی می‌تواند بقای این نظام را تهدید کرده و حتی به طور کامل نابود کند، دولتمردان و طراحان دفاعی اسرائیل را به فکر واداشته تا با توسل به قدرت بازدارنده مانع از وقوع هر نوع اقدام مبتنی بر ویرانگری و نابودی دولت یهود باشند. در واقع بازدارندگی به عنوان رکن مهم رهنامه راهبردی اسرائیل شناخته می‌شود که با توسل به آن این رژیم می‌کوشد به نوعی احساس آرامش و ثبات دست یابد (امیرشاه کرمی، ۱۳۸۳: ۵۵).

مقایسه برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی

پس از بررسی تاریخچه و اهداف برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در این قسمت به مقایسه برنامه هسته ای آنها در ۴ زمینه پرداخته می گردد: ۱- موضع گیری نهادهای بین المللی در خصوص برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی ۲- عضویت در معاهدات و کنوانسیون های عدم گسترش تسلیحات کشتار جمعی ۳- مقایسه دیدگاه های رهبران جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در خصوص برنامه های هسته ای ۴- همکاری جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی با بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی.

۱- موضع گیری نهادهای بین المللی در خصوص برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی

موضوع فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی ایران با مصاحبه مطبوعاتی گروهک منافقین در تاریخ ۲۳ / ۵ / ۱۳۸۱ و طرح ادعای این گروهک مبنی بر فعالیت های پنهانی ایران در غنی سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز و تجهیزات آب سنگین اراک و به دنبال آن پخش تصاویر ماهواره ای از این تأسیسات توسط شبکه خبری سی ان ان در تاریخ ۲۱ / ۹ / ۱۳۸۱ به یکی از مسائل مهم در جامعه بین الملل و نهادهای آن تبدیل شد. از این مقطع زمانی برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران از سوی جامعه بین الملل به منزله تهدیدی نسبت به امنیت منطقه ای، جهانی و همچنین تخطی از عدم تکثیر سلاح های کشتار جمعی مطرح گردید (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۸۹: ۲).

موارد درخواستی جامعه بین‌الملل در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به طور کلی می‌توان به دو بخش بیانیه و قطعنامه تقسیم کرد که بخشی از آن از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بخشی دیگر نیز از سوی نهاد شورای امنیت سازمان ملل است. با آغاز غنی‌سازی در نطنز در دی ماه ۱۳۸۴، شورای حکام تصمیم گرفت پرونده فعالیت هسته‌ای ایران، همراه با ده قطعنامه صادره، ۱۶ گزارش مدیر کل و بیانیه‌های صادره در اجلاس مارس (اواخر اسفند) به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شود (فلاحی، ۱۳۸۶: ۹۶).

با ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت قطعنامه ۱۶۹۶، در تاریخ ۳۱ جولای ۲۰۰۶ (۹ مرداد ۱۳۸۵) علیه ایران به تصویب رسید^۱ (افتخاری و دولت آبادی، ۱۳۸۹: ۹). در این قطعنامه از ایران خواسته شده بود تا ۳۱ ماه اوت سال ۲۰۰۶ فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نماید؛ در غیر این صورت با تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک رو به رو خواهد شد (Resolution 1696, Security Council, SC/8792, 23 July 2006).

قطعنامه ۱۶۹۶ جنبه اخطاری داشت، اما در قالب ۵ قطعنامه بعدی ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ مجازات‌های مختلفی از جمله در زمینه تأمین مالی، برنامه موشکی و خرید و فروش کالاهای با قابلیت استفاده دوگانه علیه ایران اعمال گردید (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۸۳۶).

قطعنامه ۱۷۳۷ که در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ (۲ دی ۱۳۸۵) به تصویب کلیه اعضای شورای امنیت رسید، ایران را به فصل ۷ و ماده ۴۱ منشور ملل متحد کشاند. مطابق این قطعنامه ایران باید همه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و

^۱ قطعنامه مذکور با ۱۴ رای موافق و یک رای مخالف (متعلق به کشور قطر) از سوی شورای امنیت صادر گشت.

بازآفرینی از جمله تحقیق و توسعه و نیز همه پروژه های مربوط به آب سنگین را بی درنگ معلق سازد. این قطعنامه، تهران را با تحریم هایی نظیر ممنوعیت صدور مواد و تجهیزاتی که با فعالیتهای اتمی ایران ارتباط مستقیمی داشته باشند، رو به رو کرد و دارایی های برخی مؤسسات و افراد مرتبط با برنامه های هسته ای ایران در خارج از کشور را مسدود نمود (Resolution ۱۷۳۷, Security Council. ۲۰۰۶ December ۲۳, S/RES ۱۷۳۷).

قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ (۵ فروردین ۱۳۸۶) به اتفاق آرا به تصویب رسید و ضمن مسدود نمودن دارایی های ۲۸ فرد حقیقی و حقوقی مرتبط با برنامه های هسته ای ایران و جلوگیری از صادرات تسلیحات ایران، تحریم های تنبیهی جدیدی را نیز بر علیه تهران وضع کرد و یک بار دیگر از ایران خواست که طی ۶۰ روز آینده فعالیت های هسته ای خود را به حالت تعلیق درآورد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۲).

چهارمین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران با ۱۴ رای موافق و رای ممتنع اندونزی در ۳ مارس ۲۰۰۸ (۱۳ اسفند ۱۳۸۶) به تصویب رسید. این قطعنامه شامل سه ضمیمه است که در آن نام ۱۳ شرکت و ۱۳ مدیر ارشد تاسیسات هسته ای ایران به فهرست تحریم ها اضافه شده است. در زمینه تحریم های تجاری، قطعنامه ۱۸۰۳ از دولت ها می خواهد که در اعطای اعتبارها و تسهیلات تجاری به بخش خصوصی برای مبادلات بازرگانی با ایران مراقبت بیشتری به خرج دهند. شورا همچنین از دولت ها می خواهد که در مورد همکاری مؤسسات مالی کشورشان با بانک های ایرانی به خصوص بانک صادرات و ملی ایران و شعب خارجی آن ها هوشیار باشند. این نهاد برای نخستین بار به دولت ها اجازه داد که در بنادر و فرودگاه های خود به بازرسی کشتی ها و هواپیماهای ایرانی که

مشکوک به حمل مواد و تجهیزات ممنوعه هستند پردازند. شورای امنیت هم چنین از کشورها خواسته که مواد، کالاها، تجهیزات و تکنولوژی با قابلیت استفاده دوگانه را که در برنامه های هسته ای و موشکی کاربرد دارند را در اختیار ایران قرار ندهند (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۲).

قطعنامه ۱۸۳۵ در ۶ مهر ۱۳۸۷ (۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸) به تصویب رسید. در قطعنامه ۱۹۲۹ (۱۳۸۹/۳/۱۹)، یک دانشمند هسته ای، ۲۲ شرکت که متهم به داشتن ارتباط با برنامه های اتمی و موشکی ایران بودند، ۱۵ موسسه متعلق به سپاه پاسداران و سه نهاد زیر مجموعه خطوط کشتی رانی جمهوری اسلامی ایران در فهرست تحریم قرار گرفتند (زمانی و مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

با مقایسه قطعنامه های صادره علیه برنامه هسته ای اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران شاهد تبعیض آشکاری از سوی نهادهای بین المللی در این زمینه هستیم. رژیم اشغالگر قدس تنها نمونه ای در خاورمیانه است که تاکنون به آن پی تی ملحق نشده و همچنان به اراده جامعه بین المللی (که در قطعنامه خاورمیانه ای کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ منعکس شده است) و نیز ۲۶ قطعنامه مجمع عمومی و قطعنامه شماره ۶۸۷ شورای امنیت سازمان ملل که خواستار ایجاد «منطقه ای عاری از سلاح های کشتار جمعی در غرب آسیا و شمال آفریقا» است، بی اعتنایی می کند. شورای امنیت سازمان ملل در پی صدور قطعنامه ای در محکومیت فعالیت های هسته ای عراق در سوم آوریل ۱۹۹۱ قطعنامه ۶۸۷ خود را در خصوص تسلیحات هسته ای اسرائیل صادر کرد که در آن به اسرائیل به عنوان تنها دارنده زرادخانه هسته ای اشاره گردیده است. شورا در این قطعنامه خواستار این شده است که منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باید عاری از هرگونه

سلاح کشتار جمعی باشد و همه کشورهای منطقه در راستای منع گسترش این گونه سلاح ها قدم بردارند (طلائی، ۱۳۸۳: ۶۷).

در حالی که همگان اذعان دارند اسرائیل دارای تسلیحات هسته ای است ولی تاکنون اقدام جدی از سوی مجامع بین المللی و به ویژه شورای امنیت در مقابل برنامه هسته ای اسرائیل صورت نگرفته است. برنامه توسعه سلاح کشتار جمعی توسط این رژیم با شدت هرچه تمام تر پیگیری و ذخایر سلاح های کشتار جمعی آن تهدید علیه صلح و امنیت منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و ماورای آن است. قطعنامه ۶۸۷ هیچ راه حل تشویقی یا تنبیهی به منظور محدودیت فعالیت های هسته ای اسرائیل اریه نمی دهد. در حالی که پنج قطعنامه اجرایی از سوی شورای امنیت در مقابل برنامه هسته ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید و این قطعنامه ها ایران را با تحریم ها و محدودیت های متعددی مواجه ساخت.

۲- عضویت در معاهدات و کنوانسیون های عدم گسترش تسلیحات کشتار جمعی

ایران در سال ۱۹۶۸ ان.پی.تی را امضاء نمود، در سال ۱۹۷۰ آن را به تصویب رساند و در سال ۱۹۷۴ نیز با انعقاد موافقنامه دوجانبه ای با آژانس، نظام پادمان هسته ای را پذیرفت (Andrews & Chamberlain, ۲۰۰۴: ۳).

امضای قرارداد پادمان حاکی از شفافیت برنامه هسته ای ایران است. ایران عضو آژانس بین المللی انرژی اتمی است و اساسنامه آن را سال ها پیش از تصویب ان پی تی پذیرفته است. غیر از این اسناد دولت ایران پیمان ۱۹۶۳ مسکو در مورد منع پاره ای از آزمایش های هسته ای و نیز پیمان عدم استقرار سلاح های هسته ای در دریا و بستر دریاها (۱۹۷۱) را نیز پذیرفته و بارها وفاداری خود را

به مقررات آن‌ها اعلام داشته است (توسلی نائینی، ش ۲۰۴-۲۰۳: ۳۵). اریه ابتکار ایجاد «منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه» در سازمان ملل در سال ۱۹۷۴، ایران را پیشگام سیاست خلع سلاح در منطقه گرداند (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵).

با پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت به عضویت خود به ان پی تی، موافقت نامه پادمان و اساسنامه آژانس ادامه دهد (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۵۰). با توسل به معاهده ان پی تی، بیش از ده سال است که فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تحت مکانیزم‌های شدید راستی‌آزمایی آژانس قرار دارد. سیستم راستی‌آزمایی مزبور در قالب قرارداد پادمان جامع، بر بررسی صحت فعالیت‌های اعلام شده کشورها متمرکز است و نظارت و بازرسی از مواد هسته‌ای، کانون سیستم مزبور است (دریایی، ۱۳۸۸: ۶۹).

ایران همچنین عضو «کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی» و «کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های بیولوژیک» است. ناگفته نماند که ایران معاهده «منع آزمایشات هسته‌ای» را نیز امضا کرده است (نوع پرست، ۱۳۸۷: ۳۹۸).

معاهدات سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی دربرگیرنده ترتیبات گسترده‌ای از بازرسی‌ها و راستی‌آزمایی‌هاست. علاوه بر این با ترتیبات بین‌المللی سنگین و گسترده‌ای، صادرات بین‌المللی این مواد کنترل می‌شود (خوش‌اندام، ش ۱: ۶۰). پذیرش این اسناد نشانه حسن نیت ایران در زمینه خلع سلاح و عدم گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای است؛ زیرا اگر دولتی درصدد دست یافتن به

سلاح هسته‌ای باشد هرگز حاضر نیست این تعداد از اسناد بین‌المللی راجع به مسایل هسته‌ای را کاملاً داوطلبانه بپذیرد و به مقررات آن پایبند باشد.

با گذشت بیش از نیم قرن از فعالیت‌های هسته‌ای اسرائیل، هنوز فعالیت‌های این کشور در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و همچنان مراکز هسته‌ای خود را به روی بازرسی‌های بین‌المللی بسته نگه داشته است. رژیم اسرائیل به هیچ‌یک از معاهدات منع سلاح‌های کشتار جمعی یعنی معاهده ان‌پی‌تی، کنوانسیون منع سلاح‌های میکروبی و کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی نپیوسته است (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۲۹۹).

در واقع با وجود خواست جامعه بین‌المللی برای پیوستن اسرائیل به معاهده ان‌پی‌تی، اسرائیل از پیوستن به این معاهده طفره می‌رود. اسرائیل در کنفرانس ان‌پی‌تی که در می ۲۰۰۰ برگزار شد شرکت نکرد اما شریک آن ایالات متحده از عدم حضور این دولت به دلیل به اصطلاح «شرایط خاص تل‌آویو» حمایت به عمل آورد (۲۰۰۳، Israel Rafalovich).

در اوایل انتظار بر این بود که اسرائیل پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای را در ۱۹۶۸ امضا کند و در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ هنگامی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تصویب معاهده تشکیل جلسه داد به معاهده رای مثبت داد. اما با تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به چکسلواکی سابق در ماه اگوست، تصویب پیمان به تعویق افتاد و موجب تقویت نیروهای مخالف معاهده در اسرائیل شد. با این مخالفت‌ها معلوم شد که اسرائیل مشکلات جدی با معاهده دارد اما در بیان آن‌ها احتیاط می‌کند. دولت جانسون در تلاش بود تا در ازای فروش ۵۰ فروند فانتوم اف ۴، اسرائیل را تحت فشار قرار دهد تا پیمان را امضا کند. اما متعاقب بن‌بست

در مذاکرات، جانسون از تلاش های خود در فروش فانتوم اف ۴ در قبال پیمان «ان پی تی» و مرتبط کردن این دو موضوع با یکدیگر منصرف شد و تصمیم گرفت تا معامله فانتوم ها را بدون قید و شرط نهایی کند (Chipman, ۲۰۰۸: ۱۲۳).

به این ترتیب اسرائیل نه پیمان را امضاء و نه آن را تصویب نمود. جدول زیر عضویت ایران و اسرائیل را در معاهدات و کنوانسیون های عدم گسترش تسلیحات هسته ای نشان می دهد.

جدول شماره ۲- امضای معاهده ها و کنوانسیون های عدم گسترش تسلیحات کشتار جمعی

کشور	معاهده عدم گسترش تسلیحات هسته ای (NPT)		معاهده منع جامع آزمایشات (CTBT)		کنوانسیون شیمیایی (CWC)		کنوانسیون تسلیحات میکروبی (BWC)	
	امضا شد	تصویب شد	امضا شد	تصویب شد	امضا شد	تصویب شد	امضا شد	تصویب شد
ایران	۱۹۶۸	۱۹۷۰	۱۹۹۶	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۷	۱۹۷۲	۱۹۷۳
اسرائیل	غیر عضو		۱۹۹۶	۱۹۹۳			غیر عضو	

(طلایی، ۱۳۸۳: ۷۶).

۳- مقایسه دیدگاه‌های رهبران جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در خصوص برنامه های هسته ای

شهرام چوبین پژوهشگر مسائل غرب آسیا و شمال آفریقا در مقاله خود در مورد برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران بیان می کند که مقامات این کشور سعی کرده اند همیشه میان «فناوری هسته ای» و «سلاح هسته ای» تمایز قائل شده و با مردود شمردن دومی دستیابی به فناوری هسته ای را حق مسلم خود مطابق با پیمان منع گسترش بدانند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

طبق تفاسیر رایج شده از اسلام، تولید، ذخیره سازی و استفاده از سلاح های هسته ای منع شرعی دارد و لذا جمهوری اسلامی ایران به دلیل مغایرت شرعی نمی تواند دستیابی به سلاح هسته ای را به عنوان هدف برنامه هسته ای خود قرار دهد. بر اساس چنین تفاسیری از اسلام، تسلیحات کشتار جمعی در ایران حرام است. این مسئله که تحصیل سلاح های هسته ای مغایر آموزه های اسلامی است بارها از سوی رهبری جمهوری اسلامی ایران به صراحت مطرح شده است: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته ای، دیگر انواع سلاح های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می شود. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح ها را حس می کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن انبای بشر از این بلا بزرگ را وظیفه همگان می دانیم»^۱. «جمهوری اسلامی ایران مساله هسته ای را در درجه اول

۱. پیام رهبر انقلاب به نخستین «کنفرانس بین المللی خلع سلاح و عدم اشاعه»، ۲۸ فروردین ۱۳۸۹.

مساله ای علمی و زمینه ای برای به دست آوردن سوخت نیروگاه هسته ای و در درجه دوم یک بحث اقتصادی می‌داند.^۱ «جمهوری اسلامی بر اساس مبانی دینی و فقهی هیچگاه قائل به استفاده از سلاح های کشتار جمعی نیست» (۱۳۸۳/۸/۲۴).

ما دنبال سلاح هسته ای نیستیم. واقعاً سلاح هسته ای به صرفه ما نیست. از لحاظ فکری و نظری و فقهی، ما این کار را خلاف می دانیم. ما استفاده از این تسلیحات را گناه بزرگ می دانیم و نگه داشتنش را یک کار بیهوده، پرضرر و پرخطر می دانیم و هرگز دنبالش هم نمی رویم. ما می خواهیم به دنیا اثبات کنیم که داشتن سلاح هسته ای، قدرت آفرین نیست؛ به دلیل اینکه قدرت هایی که سلاح هسته ای دارند، امروز دارای سخت ترین مشکلاتند. آنها با تهدید هسته ای بر دنیا مسلط شدند، اما امروز این تهدید دیگر کاربرد ندارد. ما می خواهیم بگوییم ما دنبال سلاح هسته ای نیستیم و اقتدار را در سلاح هسته ای نمی دانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته ای را هم می توانیم بشکنیم (۱۳۹۰/۱۲/۳).

از طرفی، فضای داخلی کشور و افکار عمومی نیز پذیرای نگرش دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته ای نیست. در آوریل ۲۰۰۸، «موسسه نظرسنجی عمومی جهانی» به بررسی نظرات شهروندان ایرانی در خصوص تسلیحات هسته ای پرداخت. آن ها در نظرسنجی چنین پاسخ دادند که خواهان تسلیحات هسته ای نیستند چرا که مسلمانند و داشتن تسلیحات هسته ای در اسلام منع شده است (Lotfian, ۲۰۰۸: ۵۴).

^۲ اقامه نماز جمعه تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۸۴/۵/۲۸)

بنابراین رهبران و افکار عمومی جمهوری اسلامی ایران به شدت با تسلیحات هسته ای مخالفند. در حالیکه رهبران اسرائیل چه در گذشته چه در حال «دفاع از خود» و «خودکفایی» را مبتنی بر وجود یک زرادخانه هسته ای بزرگ دانسته اند (امیرشاه کرمی، ۱۳۸۳: ۵۹).

به اعتقاد آن ها در شرایط حاکم بر غرب آسیا و شمال آفریقا، تنها راه بقا برتری مطلق تسلیحاتی بویژه در حوزه تسلیحات هسته ای است. اهمیت تسلیحات هسته ای و برتری مطلق در این زمینه برای اسرائیل به قدری زیاد است که مقامات این کشور در این باره به صورت کاملاً آشکار بحث می کنند. بن گوریون، اولین نخست وزیر اسرائیل، قبل از جنگ جهانی دوم، خطاب به دانشمندان یهودی آلمانی که به اراضی اشغالی فلسطین آمده بودند می گوید: «از شما می خواهم تا از هم اکنون در تحقیقات و پژوهشهای هسته ای تلاش نمایید و کلیه اقداماتی را که برای مجهز ساختن اسرائیل به سلاح اتمی لازم است، انجام دهید». پس از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ نیز، رهبران این رژیم بر دستیابی به سلاح هسته ای تأکید داشته اند (اقبال، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۳).

مرشه آرنز در این مورد می گوید «در غرب آسیا و شمال آفریقا آنچه که آینده قدرت های حاکم در این منطقه را تعیین می کند، زور و اسلحه است که در این میان رای و دیدگاه مردم هیچ اهمیتی ندارد» (رنجبر، ۱۳۸۲: ۲۴۱).

افرام کاتسر، رئیس جمهوری اسبق اسرائیل، در سال ۱۹۷۴ در اظهاراتی رسمی می گوید: «یکی از اهداف ما همواره توسعه و تقویت امکانات هسته ای مان بوده است و اکنون نیز چنین امکاناتی را در اختیار داریم» (عطیه، ۱۹۹۵: ۴۷).

۴- همکاری جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

ایران همواره به حقوق و هنجارهای بین‌المللی احترام گذاشته و در صدد تداوم همکاری های علمی، فنی و حقوقی خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سایر نهادها و سازمان های بین‌المللی بوده است. آژانس بین‌المللی انرژی هسته ای از ابتدای کار بر فعالیت های ایران نظارت داشته است و دوربین های آژانس در حساس ترین مراکز ایران، شبانه روز بر فعالیت های دانشمندان و کارشناسان ایرانی نظارت دارند. علاوه بر آن بازرسی های سرزده نیز در هر موردی که آژانس به هر دلیلی آن را مشکوک می داند، وجود دارد. ماهیت صلح آمیز خط تولید اورانیوم در ایران توسط هیچ مرجع بین‌المللی مورد تردید قرار نگرفته و بازرسان آژانس به هیچ نشانه ای که دلالت بر تغییر خط تولید در جهت کاربرد نظامی باشد دست نیافته اند.

پس از اینکه دولت آمریکا در مورد فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران تبلیغات گسترده ای به راه انداخت و چنین عنوان کرد که ایران در صدد دستیابی به سلاح هسته ای است، دولت جمهوری اسلامی ایران برای خنثی کردن این تبلیغات و اثبات بی اساس بودن ادعاهای آمریکا، در سال های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴ دوبار داوطلبانه از آژانس تقاضا کرد که همه تأسیسات و مواد هسته ای ایران را مورد بازرسی قرار دهند. بازرسان، صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران را همانند بازرسی های قبلی تأیید کردند. این نخستین باری بود که چنین بازرسی هایی توسط آژانس انجام می گرفت (غریب آبادی، ش ۱۹۰-۱۸۹: ۱۷۲). همچنین بازرسان آژانس در فوریه ۱۹۹۲ از یک جایگاه در منطقه معلم کلايه واقع در کوههای شمال غرب تهران که شایع شده بود محلی برای تحقیق

مخفیانه مرتبط با سلاحهای هسته ای است، بازدید کردند. در همه این بازرسی ها صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران مورد تأیید قرار گرفت (عسگری، ۱۳۸۵: ۴۶-۴۵).

در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳، ایران پروتکل الحاقی پیمان ان پی تی را امضا کرد که به موجب آن دسترسی و امکان بازرسی های سرزده بیشتری از تأسیسات هسته ای ایران برای آژانس وجود خواهد داشت. (سلاما و رستر، ۱۱۶).

تا سال ۲۰۰۸ بیش از ۲۴۰۰ نفر/ روز بازرسی، از ۱۴۵ نقطه از خاک ایران به انتخاب خود مأموران آژانس صورت گرفته است. با دوربین های کنترل از راه دور، همه عملیات هسته ای ایران تصویربرداری و به مقر آژانس در وین فرستاده می شود (طباطبائی و صدیقی، ۱۳۹۰: ۲۷).

از سوی دیگر، بررسی نتایج گزارش های آژانس بین المللی انرژی اتمی نشان دهنده آن است که بازرسان این آژانس تاکنون هیچگونه اثری از ساخت سلاح هسته ای در ایران پیدا نکرده اند و اگرچه در گزارش ها از عدم همکاری کامل دولت جمهوری اسلامی ایران، از جمله دیر اطلاع رسانی، عدم امکان مصاحبه با دانشمندان هسته ای، عدم اجازه به آژانس در مورد رویت تمامی اسناد خواسته شده و ... مواردی ذکر شده است، اما در مورد وجود سلاح هسته ای در این کشور تاکنون هیچ سندی یافت نشده و گزارشی اریه نشده است (Amuzegar, ۲۰۰۶: ۲۵).

در مجموع، بررسی روند هسته ای ایران در آژانس نشان می دهد که رفتار و عملکرد آژانس (به ویژه شورای حکام) بیش از آنکه بر جنبه های حقوقی تکیه کند از مولفه های سیاسی متأثر است. نگاه تبعیض آمیز، اجبار سیاسی برای امضای

پروتنکل الحاقی، درخواست اجرای مفاد پروتنکل قبل از لازم الاجرا شدن آن، اصرار بیش از حد برای صرف نظر کردن از برخورداری از دانش هسته ای و چرخه سوخت، متهم کردن تکراری ایران به پنهانکاری و تلاش برای دسترسی به سلاح هسته ای، جریان‌ات سیاسی و بده بستان های درونی بین اعضای شورای حکام و به طور کلی اتخاذ تصمیم در راستای منافع چند کشور خاص از مهم ترین نشانه های دخالت عناصر سیاسی در پرونده هسته ای ایران است.

شورای اطلاعاتی ملی آمریکا در چارچوب برآوردهای اطلاعات ملی، گزارشی را تحت عنوان «ایران: نیت هسته ای و توانمندی ها» در نوامبر ۲۰۰۷ تهیه کرد. این گزارش در تاریخ ۱۲ آذر ماه ۱۳۸۶ در دسترس رسانه ها قرار گرفت. گزارش سازمان های اطلاعاتی آمریکا به صراحت اعلام می کند که رفتار هسته ای ایران در مسیر درستی است. گزارش ۱۶ نهاد اطلاعاتی آمریکا و در رأس آن امنیت ملی این کشور (NSA) حاکی از عدم حرکت ایران به سوی نظامی کردن برنامه هسته ای خود بود. لازم به توضیح است که برای اولین بار است که جامعه اطلاعاتی آمریکا از موضع خود بر می گردد و با استناد به اطلاعات و داده های موجود خود اعلام می کند که ایران برنامه ساخت سلاح هسته ای ندارد و در واقع با ارزیابی های آژانس در خصوص برنامه هسته ای ایران همراه می شود (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰). این در حالی است که رییس جمهور و سایر مقامات آمریکا با استناد به داده های نهادهای اطلاعاتی خود تا پیش از این همواره ادعا می کردند که ایران به دنبال سلاح هسته ای است و تا تولید آن فاصله کمی دارد. البرادعی با دریافت این گزارش ابراز امیدواری کرد که با برآورد جدید آمریکا می توان بحران به وجود آمده را خاتمه داد (IAEA Press Release/۲۰۰۷/۲۲).

در عین حال پس از فرونشستن گرد و غبار حاصل از واکنش های ابتدایی به نگاه هسته ای جاسوسان ایالات متحده، مشخص شد که تاکید ایالات متحده بر عدم تغییر سیاست های این کشور در قبال ایران به ۵ عضو دیگر سازمان ملل به علاوه آلمان نیز تسری یافته است. آلمان، فرانسه و انگلیس از یک سو با بی تفاوتی نسبت به این گزارش بر تداوم نشست های خود برای ارائه پیش نویس قطعنامه سوم علیه ایران به شورای امنیت تاکید کرده و ژاپن، اسرائیل و برخی از کشورهای غربی دیگر نیز آن را دلیلی بر اعمال فشار بر ایران قلمداد نمودند. نکته قابل تأمل موضع تردید آمیز چین و روسیه در خصوص این گزارش است که صاحب نظران آن را در ادامه سیاست «یک بام و دو هوای» این دو عضو دائم شورای امنیت می دانند.

همچنین، در گزارش منتشره در ۱۷ مرداد ۱۳۸۸ توسط دفتر اطلاعات و پژوهش وزارت امور خارجه آمریکا چنین آمده است: حتی با وجود اینکه ایران به پیشرفت های مهمی در زمینه غنی سازی اورانیوم دست پیدا کرده است، دستیابی به توانایی فنی تولید اورانیوم بسیار غنی شده پیش از سال ۲۰۱۳ محتمل نیست و کمیته اطلاعاتی آمریکا هیچ مدرکی ندارد که ایران تصمیم گرفته است اورانیوم را در سطح بالا غنی کند یا خیر. ایران حداقل تا زمانی که تحت فشارهای بین المللی قرار دارد چنین تصمیمی نخواهد گرفت. در صورت تصمیم به غنی سازی درجه بالا، ایران احتمالاً از تأسیسات نظامی مخفی تا تأسیسات اعلام شده خود استفاده خواهد کرد. ولی ایجاد چنین تأسیسات مخفی هم سال ها طول خواهد کشید (شیخ حسنی، ش ۲۳۶: ۲۸).

با وجود این گزارشات، آمریکا همچنان به مخالفت با برنامه هسته ای ایران می پردازد. مهم ترین اقدامات آمریکا در قبال برنامه هسته ای ایران عبارت است از: غیر عادی اعلام کردن پرونده ایران در شورای حکام آژانس در سال ۲۰۰۳، همکاری با اتحادیه اروپا برای متقاعد کردن ایران به تعلیق فعالیت های هسته ای خود و تشکیل گروه ۵+۱ برای افزایش فشار سیاسی، مالی و اقتصادی بر ایران، تلاش برای گسترش چتر هسته ای آمریکا به کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس و تلاش برای جاسوسی از برنامه های اتمی ایران. هدف نهایی آمریکا از اتخاذ این اقدامات، متقاعد کردن ایران به کنار گذاشتن فعالیت های هسته ای خود بوده است (سجاد پور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۵۰-۴۹).

اسرائیل در حال حاضر ۱۰۰ تا ۲۰۰ بمب هسته ای در اختیار دارد، اما تا کنون حاضر نشده است اطلاعات روشنی در این خصوص منتشر کند. رهبران این رژیم نیز در خصوص سلاح هسته ای اطلاعات مبهم و ضد و نقیضی عنوان می دارند. هنگامی که از رهبران رژیم صهیونیستی سوال می شود آیا اسرائیل سلاح هسته ای در اختیار دارد، آنان پاسخ می دهند که اسرائیل اولین کشوری در خاورمیانه نخواهد بود که از سلاح هسته ای استفاده می کند (اقبال، ۱۳۸۲: ۸۸). اسرائیل در گروه کشورهای دارنده سلاح هسته ای غیر عضو معاهده عدم تکثیر و گسترش سلاح های هسته ای قرار می گیرد و به صورت اختیاری و موردی به بازرسان آژانس انرژی اتمی که بر اساس ماده ۳ معاهده ان پی تی مسئولیت نظارت و بازرسی را بر عهده دادر اجازه بازرسی می دهد. این کار بر طبق قرارداد ۶۶ که کاملاً اختیاری است صورت می گیرد (محمودی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

بیشترین فشار خارجی بر روی برنامه های هسته ای اسرائیل در اواخر دهه ۵۰ از سوی ایالات متحده اعمال شد. فشار آمریکا با پیروزی کندی در انتخابات ریاست جمهوری این کشور تشدید گردید و موجب شد که اسرائیل اجازه بازرسی های محدود را به بازرسان آمریکا بدهد. مجموعاً در طول دهه ۶۰، هفت بار این بازرسی ها صورت گرفت که مدرکی در خصوص تسلیحات هسته ای به دست نیامد. بازدیدهای ایالات متحده از مجموعه دیمونا مانع از برنامه هسته ای اسرائیل نشد و تنها توانست ابهام و ناشفافی را در سیاست تسلیحات هسته ای اسرائیل تقویت کند؛ به عبارت دیگر می توان گفت که هدف بازرسی ها توقف برنامه هسته ای اسرائیل نبود بلکه تشویق اسرائیل به این امر بود که آشکارا به یک کشور دارنده سلاح هسته ای تبدیل نشود و در نتیجه زنجیره ای از اشاعه تسلیحات هسته ای ایجاد نکند.

در طول این سال ها اسرائیل بطور کامل از امنیت تاسیسات هسته ای خود محافظت به عمل می آورد و مقامات این رژیم تلاش های فراوانی برای مخفی نگهداشتن نیروگاههای هسته ای خود داشتند؛ به عنوان مثال در طول جنگ شش روزه اعراب با اسرائیل، این رژیم جنگنده میراژ خود را بر فراز دیمونا ساقط کرد و نیز یک هواپیمای خطوط هوایی لیبی را با ۱۰۴ مسافر در آسمان صحرای سینا منهدم نمود (محمودی، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۷). ایالات متحده پس از ۷ بار بازرسی از تسلیحات هسته ای اسرائیل بالاخره در سال ۱۹۷۰ اسرائیل را به عنوان قدرت هسته ای به صورت دوفاکتو پذیرفت (۱۲۴: Chipman, ۲۰۰۸) و از آن پس هیچ فشاری مبنی بر بازرسی از این کشور به عمل نیاورد. در سال ۱۹۹۷ زمین لرزه ای قسمت هایی از مصر، اسرائیل، اردن، لبنان و سوریه را لرزاند و پس از آن کشورهای عربی منطقه اعلام کردند که این لرزش ناشی از آزمایش بمب هسته ای

در نیروگاه دیمونا است و باید این نیروگاه تحت بازرسی آژانس انرژی اتمی قرار گیرد. اسرائیلی‌ها با رد این ادعا عنوان کردند که با گذشت ۳۰ سال از عمر این نیروگاه دیگر نیازی به بازرسی نیست (محمودی، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

شایان ذکر است که ایالات متحده با وجود مخالفت خود با اشاعه تسلیحات هسته‌ای، در مورد اسرائیل سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفته و همواره اسرائیل را مورد حمایت همه‌جانبه خود قرار داده است. به عنوان نمونه در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۸ نخست‌وزیر نتانیاهو و کلیتون نخست‌وزیر آمریکا توافق نامه‌ای مبنی بر حمایت ایالات متحده از اسرائیل در برابر تهدیدات موشکی و سلاح‌های کشتار جمعی منطقه‌ای امضا کرده‌اند. این توافقنامه در حال حاضر به عنوان «چتر مجازی ایالات متحده» عمل می‌کند. این توافقنامه مانعی برای ارتقای توانمندی‌های هسته‌ای اسرائیل ایجاد نکرده است (Charnysh, ۲۰۰۹: ۳).

در پیمان ارتقای هسته‌ای بین آمریکا و اسرائیل که در ۲۲ فوریه ۲۰۰۰ به امضا رسید به دانشمندان هسته‌ای اسرائیل اجازه داده می‌شود که از تکنولوژی هسته‌ای ایالات متحده استفاده نمایند. در این پیمان، دو دولت متعهد می‌شوند که در زمینه تبادل تجهیزات، تجربیات و سایر همکاری‌های هسته‌ای تلاش نمایند. طبق این قرارداد واشنگتن اعلام می‌کند اسرائیل به دلیل اینکه یک کشور حساس در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود معاهده «ان پی تی» را امضا نمی‌کند (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

همکاری هسته‌ای آمریکا با رژیم صهیونیستی سال ۲۰۰۸ با امضای یک قرارداد جدید گسترش یافت؛ براساس قرارداد جدید اسرائیل به اکثر اطلاعات و

فناوری های هسته ای موجود در آمریکا دسترسی پیدا می کند که نقض جدی مواد ۱ و ۳ ان پی تی محسوب می گردد (غریب آبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

نتیجه گیری

بررسی تاریخچه و علل و انگیزه های جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی برای توسعه برنامه های هسته ای نشان می دهد که هدف ایران از توسعه برنامه های اتمی کسب «توانایی قانونمند» هسته ای است. ایران به دنبال کاربردهای صلح آمیز انرژی هسته ای است. شواهد و مدارکی مبنی بر تلاش جمهوری اسلامی ایران برای کسب تسلیحات هسته ای وجود ندارد. بررسی کنش های رفتاری جمهوری اسلامی ایران مبنی بر پیوستن به تمامی معاهدات منع گسترش تسلیحات هسته ای و همچنین بررسی کنش های گفتاری مقامات بلندپایه این دولت در خصوص غیر شرعی بودن سلاح های هسته ای حاکی از آن است که سلاح هسته ای جایگاهی در رهنامه (دکترین) دفاعی - امنیتی آن ندارد.

در حالی که بررسی تاریخچه و علل و انگیزه های رژیم صهیونیستی عکس این مطلب را به اثبات می رساند. این رژیم در عمر شصت ساله خود همواره در پی کسب تسلیحات کشتار جمعی و از جمله «تسلیحات هسته ای» برای حفظ موجودیت خود بوده است. شواهد و مدارک زیادی نیز برای اثبات این مسئله وجود دارد. این رژیم معاهده ان پی تی را امضا نکرده و اجازه بازرسی از تأسیسات هسته ای خود را به آژانس نمی دهد. با توجه به این که به غیر از رژیم صهیونیستی، هیچ یک از کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، دارای برنامه تسلیحات هسته ای نیستند، برنامه تسلیحات هسته ای این کشور می تواند ثبات و

امنیت در غرب آسیا و شمال آفریقا را به خطر انداخته و اشاعه تسلیحات هسته ای را به دنبال داشته باشد. ذکر این نکته لازم است که تنها مانع برای ایجاد «منطقه عاری از تسلیحات هسته ای در غرب آسیا و شمال آفریقا» رژیم صهیونیستی است. این در حالی است که غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا نه تنها مخالف برنامه تسلیحات هسته ای اسرائیل نیستند بلکه در چارچوب قراردادها و موافقتنامه های مختلف زمینه دستیابی و ارتقای تسلیحات هسته ای اسرائیل را فراهم می نمایند. به طور کلی کشورها در زمینه دستیابی به دانش هسته ای به دو گروه حامیان غرب و مخالفان غرب تقسیم می شوند. گرچه رژیم صهیونیستی دارای تسلیحات هسته ای است اما به دلیل وفاداری به غرب برنامه هسته ای آن مورد اعتماد است. اما جمهوری اسلامی ایران به دلیل اینکه مخالف وضع موجود است از چنین فناوری هایی محروم است.

همان طور که ذکر شد، مجموعه ای از عوامل داخلی، منطقه ای و بین المللی ایجاب می کند که جمهوری اسلامی ایران دستیابی به انرژی هسته ای را در اولویت اهداف خود قرار دهد. با توجه به این که برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران برنامه ای کاملاً صلح آمیز است باید زمینه لازم برای توسعه آن فراهم گردد. در پیمان «ان پی تی» نیز بر این مسئله تأکید شده که در صورت صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای کشورها، اعضای اتمی این پیمان باید در جهت کسب انرژی هسته ای امکانات و تکنولوژی لازم را برای کشورهای مربوط فراهم کنند. عدم توسعه سلاح های هسته ای نباید بهانه ای برای جلوگیری از دستیابی و توسعه فن آوری هسته ای در جهت اهداف مسالمت آمیز باشد.

منابع

- الحمیدی، حمیدی قناص (۱۳۸۱)؛ «جایگاه تسلیحات هسته ای در تفکر استراتژیک اسرائیل» (۱۹۹۰-۱۹۴۸)، ترجمه اسماعیل اقبال، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، موسسه چاپ و انتشارات.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۳)؛ «پرونده هسته ای ایران ۱»: روندها و نظرها. تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- (۱۳۸۴)؛ «پرونده هسته ای ایران ۲»: روندها و نظرها. تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- (۱۳۸۶)؛ «پرونده هسته ای ایران ۳»: روندها و نظرها. تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- (۱۳۸۷)؛ «پرونده هسته ای ایران ۴»: روندها و نظرها. تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۶)؛ «تاریخچه انرژی هسته ای در ایران و جهان»، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- علیخانی، مهدی (۱۳۸۹)؛ سیر تحولات پنجاه ساله فناوری هسته ای در ایران (۱۳۸۶-۱۳۳۶)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غریب آبادی، کاظم «پروتکل الحاقی به معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای و تأثیر آن بر ج.ا.ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۹۰-۸۹، صص ۸۳-۷۰.
- (۱۳۸۷)؛ برنامه هسته ای ایران: واقعیت های اساسی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- (۱۳۸۶)؛ دستاورد های هسته ای دولت نهم، گزارش جمهور وابسته به مرکز اسناد و پژوهش ریاست جمهوری.
- (۱۳۸۸)؛ نهضت ملی هسته ای، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات،

اسدی، بیژن (۱۳۸۶)؛ «تأثیر توان هسته ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه ای»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۶، صص ۳۲-۱.

اقبال، اسماعیل (۱۳۸۲)؛ «بازدارندگی هسته ای اسرائیل در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره چهار، صص ۱۰۴-۸۱.

امیرشاه کرمی، مریم السادات (۱۳۸۳)؛ «سطوح بازدارندگی در رهنامه استراتژیک رژیم اسرائیل»، فصلنامه مطالعات منطقه ای، شماره ۳، صص ۶۷-۵۵.

توسلی نائیتی، منوچهر، «حقوق و تعهدات ایران در پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۲۰۴-۲۰۳، صص ۳۹-۳۹.

جعفری، علی اکبر و رویا میرجلالی (۱۳۸۹)؛ «مؤلفه های سیاست خارجی روسیه در همکاری هسته ای با ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵۱، صص ۱۸۰-۱۵۵.

حاتمی راد، «چرخه سوخت هسته ای ج.ا.ایران»، فصلنامه پیام، شماره ۸۳، صص ۱۷۹-۱۵۶.

خوش اندام، بهزاد، «مدیریت بحران هسته ای ایران از منظر اتحادیه اروپا و گزینه های ج.ا.ایران»، پژوهشنامه خلع سلاح، شماره اول، صص ۷۲-۵۲.

دریایی، محمدحسن (۱۳۸۹)؛ «به کارگیری فناوری نوین در راستی آزمایشی فعالیت های هسته ای ج.ا.ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۱۰۵-۶۹.

دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۴)؛ «قابلیت ها، چالش ها و راهکارهای دانش هسته ای بومی در ج.ا.ایران»، مجلس و پژوهش، سال دوازدهم، شماره ۵۰-۴۹، صص ۲۲۰-۱۹۶.

دوست محمدی و دیگران (۱۳۸۹)؛ «تأثیر فعالیت های هسته ای ایران بر همگرایی امنیتی در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۸.

رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۸۹)؛ «امنیت هستی شناسانه و سازش ناپذیری نظام ج.ا.ایران در سیاست هسته ای»، فصلنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، صص ۱-۲۰.

زمانی، سید قاسم و جمشید مظاهری، «تحریم های هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۱۹۲۹: حفظ یا تهدید صلح»، مجله حقوقی بین المللی، سال ۲۸، شماره ۴۴، صص ۱۱۵-۱۶۱.

سجادپور، محمدکاظم و سعیده اجتهادی (۱۳۸۹)؛ «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین المللی پس از جنگ سرد: مطالعه موردی برنامه هسته ای ج.ا.ایران»، دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول، ۲۵-۵۹.

سلاما، سامی و کارن رستر، «پیامدهای احتمالی بازدارنده علیه تأسیسات هسته ای ایران»، ترجمه: مسعود محمدی الموتی، مریان، سال پنجم، شماره ۱۷.

شیخ حسنی، کامبیز، «آخرین تحولات برنامه صلح آمیز هسته ای ج.ا.ایران در صحنه بین المللی»، ماهنامه رویدادها و تحلیل ها، شماره ۲۳۶، صص ۲۵-۳۰.

طباطبائی، سیدمحمد و حامد صدیقی (۱۳۹۰)؛ «دیپلماسی هسته ای ایران»، ماهنامه سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۶، صص ۱۸-۳۷.

طلائی، فرهاد (۱۳۸۳)؛ «خلیج فارس و خاورمیانه عاری از سلاح های کشتار جمعی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۶۹، صص ۵۳-۹۰.

عسگری، یداله (۱۳۸۵)؛ «بررسی و تحلیل حقوقی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۶۰-۳۵.

فلاحی، سارا (۱۳۸۶)؛ «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۱، صص ۹۳-۷۲. قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷)؛ «آمریکا و بحران هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۸۵۲-۸۲۸.

قنبری، علیرضا (۱۳۸۷)؛ «پایان ذخایر نفت و گاز و ضرورت انرژی هسته‌ای»، مجله اقتصاد/انرژی، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶.

لطفیان، سعیده (۱۳۷۴)؛ «یک بام و دو هوا در زمینه گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای در خاورمیانه»، فصلنامه سیاسی/اقتصادی، شماره ۱۱۳-۱۱۲، صص ۹۱-۷۵.

محمودی، امیر حیدر (۱۳۸۳)؛ «اسرائیل، تهدید هسته‌ای فراموش شده»، فصلنامه راهبرد، شماره سی و چهارم، صص ۱۴۵-۱۳۳.

موسویان، سید حسین (۱۳۸۶)؛ پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل.

نوع پرست، زهرا (۱۳۸۷)؛ «سیر تحول اتم برای صلح در عرصه بین‌المللی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳، ۴۰۳-۳۷۹.

هادیان، ناصر و شانی هرمزی (۱۳۸۹)؛ «برنامه هسته‌ای ایران: توانایی قانونمند»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۲۱۴-۱۸۰.

عطایا، امین محمود (۱۹۹۵)؛ «الاستراتیجیه النوویه الرژییم صهیونیستییه»، دمشق: المناره.

عطیه، ممدوح (۱۹۹۵)؛ «خطر السلاح النووی الرژییم صهیونیستی»، بیروت: المركز الوطنی للدراسات.

Chipman, John. (۲۰۰۸). *Nuclear Programmes in the Middle East in the Shadow of Iran*. London: The International Institute for Strategic Studies.

Articles

Andrews, Dave and Nigel Chamberlain. (۲۰۰۴). "The IAEA and Iran: Crisis Averted – for the time being," Occasional Papers, British American Security Information Council (BASIS), London Office. Retrieved from <http://www.basicint.org/sites/default/files/PUB۲۳۱۱۰۴.pdf>

Ben-Meir, Alon. "Israel's Response to a Nuclear Iran," *International Journal on World Peace*, V. ۲۷, N. ۱, March ۲۰۱۲.

Charnysh, Volha, (۲۰۰۹). *Israel's Nuclear Program*, Nuclear Age Peace Foundation.

Gärtner, Heinz.(۲۰۱۲). "A Nuclear-Weapon-Free Zone in the Middle East", Austrian Institute for International Affairs.

Jamshid Amuzegar .(۲۰۰۶). "Nuclear Iran: Perils and Prospects", *Middle East policy*, Vol XIII, No ۲.

Kerr, Paul. (۲۰۱۲). *Iran's Nuclear Program: Tehran's Compliance with International Obligations*.

Lotfian, Saideh. (۲۰۰۷). "Nuclear Policy and International Relations," in H. Katusian and S. H. Shahidi, eds. *Iran in the ۲۱st Century*. New York: Routledge.

Lotfian, Saideh. (۲۰۰۸). "Nuclearization of the Middle East: From Threat to Preventive Actions," in the Proceedings of the International Conference on Nuclearization in Europe and the Middle East. Switzerland: PSR/ IPPNW.

Lotfian, Saideh. (۲۰۰۸). "Implications of Nuclear Power Programs and Nuclear Threats in the Middle East," *The Iranian Journal of International Affairs*, V. ۲۰, N. ۴, pp. ۴۱-۷۹.

National Intelligence Estimate. (۲۰۰۷, November), "Iran: Nuclear Intentions and Capabilities", Available: [www. dni. gov](http://www.dni.gov).

Sadr, E. (۲۰۰۵). "The Impact of Iran's Nuclearization on Israel," *Middle East Policy*, V. ۱۲, N. ۲, pp. ۵۸-۷۲.

Waltz, Kenneth. (۱۹۸۱). "The Spread of Nuclear Weapons: More may be Better," *Adelphi Papers*, N. ۱۷۱, London: International Institute for Strategic Studies. Retrieved from <https://www.mtholyoke.edu/acad/intrel/waltz۱.htm>